

## بررسی اندیشه های حقوقی سعدی در آموزه های اخلاقی او

علی عسکری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۶، صص ۲۸۰-۲۵۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7714>

### نشریه علمی سبک شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** یکی از مهمترین موضوعات محوری آثار سعدی اخلاق است و اساس اندیشه های سعدی نیز در اخلاقیات او تجلی یافته است. در میان موضوعات و مسایل اخلاقی نیز، بیشترین نکات مربوط به حقوق افراد جامعه است. در این مقاله کوشیده ایم تمام نکات مربوط به حقوق شهروندی، حقوق افراد جامعه نسبت به هم و همچنین حقوق اعضای خانواده را از آثار منظوم و منثور سعدی استخراج و بررسی کنیم.

**روش ها:** در این پژوهش بر اساس منابع کتابخانه ای و روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی اندیشه های حقوقی سعدی در آموزه های اخلاقی او پرداخته شد.

**یافته ها:** در این پژوهش تمام نکات مربوط به حقوق شهروندی، حقوق افراد جامعه نسبت به هم و همچنین حقوق اعضای خانواده از آثار منظوم و منثور سعدی استخراج و بررسی شد.

**نتیجه گیری:** نتیجه یافته های تحقیق نشان میدهد که در آثار سعدی، از حقوق همه افراد و گروه های جامعه به صورت گسترده در قالب پند و نصیحت های اخلاقی سخن رفته و در این میان حقوق شهروندی و عمومی افراد بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است. دیگر این که تمامی سخنان و اندیشه های سعدی کاملاً منطبق بر آموزه های دین مبین اسلام است.

تاریخ دریافت: ۱۲ تیر ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۱۴ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۲۹ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴ مهر ۱۴۰۳

#### کلمات کلیدی:

سعدی، اخلاق، حقوق، خانواده، مردم، حکومت.

\* نویسنده مسئول:

[askari5017@pnu.ac.ir](mailto:askari5017@pnu.ac.ir)

۲۳۳۲۲۳۶۰ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining Saadi's legal thoughts in his moral teachings

A. Askari

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 02 July 2024  
Reviewed: 04 August 2024  
Revised: 19 August 2024  
Accepted: 05 October 2024

KEYWORDS

Saadi, ethics, law, family, people, government.

\*Corresponding Author

✉ [askari5017@pnu.ac.ir](mailto:askari5017@pnu.ac.ir)

☎ (+98 21) 23322360

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** One of the most important central themes of Saadi's works is ethics, and the basis of Saadi's thoughts is also manifested in his ethics. Among the moral issues and issues, most of the points are related to the rights of people in the society. In this article, we have tried to extract and analyze all the points related to citizenship rights, the rights of society members towards each other, as well as the rights of family members from Saadi's poetry and prose works.

**METHODOLOGY:** In this research, based on library sources and analytical-descriptive method, Saadi's legal thoughts were investigated in her moral teachings.

**FINDINGS:** In this research, all the points related to citizenship rights, the rights of society members towards each other, as well as the rights of family members were extracted and analyzed from Saadi's poetry and prose works.

**CONCLUSION:** The results of the research show that in Saadi's works, the rights of all people and groups of society are widely discussed in the form of moral advice and among them, the citizenship and general rights of people are the most. has been taken into account. Another thing is that all of Saadi's words and thoughts are completely in line with the teachings of Islam.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7714>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 15	 0	 0

## مقدمه

سعدی یکی از ارکان اصلی شعر و ادب فارسی و از بزرگترین، تواناترین و تأثیرگذارترین شاعران و نویسندگان ایران است.

محوریت‌ترین اندیشه های سعدی عشق است و اخلاق. سعدی شناسان، آثار سعدی را در عامترین شکل طبقه بندی به دو گروه تقسیم کرده اند؛ آثاری با مایه پند و اندرز و اخلاق و آثاری که جنبه غنایی و تغزلی دارند و گفته اند که «سعدی یا ناصح است یا عاشق» (موحد، ۱۳۷۸، ص ۶۷).

سعدی به تمام معنی شاعر است، او نه فیلسوف است و نه متکلم، نه فقیه است و نه مُحدِّث و نه عارف و صوفی؛ اگرچه از همه این دانشها مایه های کافی و وافی دارد ولی جنبه شاخص و برجسته شخصیت او شاعری است و شعر نیز اقسام و اشکال و انواعی دارد و او در اکثر موضوعات و انواع ادبی به ویژه برجسته‌ترین و درازدامنترین آنها؛ یعنی ادب غنایی و تعلیمی هم استاد بلامنازع است و هم نوآور و خلاق. بی هیچ تردید سعدی بر چکاد این دو نوع ادبی جای دارد، او را میتوان مفتی اعظم عاشقی و بزرگترین معلم اخلاق عملی، در پهنه وسیع شعر و ادب فارسی دانست.

جدای از عشق که اینجا مورد بحث ما نیست، اساس اندیشه‌های او را می‌توان در اخلاقیات جست. آثار او سرشار از آموزه‌های اخلاقی است؛ نه تنها گلستان و بوستان که در جای جای آثارش حتی در غزلیات عاشقانه‌اش ردپای اخلاقیات دیده می‌شود. سعدی با هر موضوع و بهانه‌ای به دنبال آموزش مفاهیم بلند انسانی و اخلاقی به مخاطب خود است و همه عناصر و شخصیت‌های آثارش از پادشاه تا گدا دست‌آویز او برای طرح مطالب اخلاقی و تربیتی است.

به تعبیر خاورشناس مشهور فرانسوی، پروفیسور هنری ماسه، افکار اخلاقی سعدی تنها به اشعار تعلیمی‌اش ختم نمی‌شود و در جای جای آثارش بروز و ظهور دارد حتی اشعار غنایی او هم خالی از این لطیفه نیست (ماسه، ۱۳۶۹، ص ۲۵۶).

## هدف پژوهش:

بررسی حقوق مختلف افراد در آموزه‌های اخلاقی سعدی به عنوان یک متفکر اسلامی و معلم اخلاق است.

## پیشینه پژوهش:

در این زمینه، پژوهشهای متعددی صورت گرفته از جمله:

مقاله «بررسی مسائل فقهی و حقوقی در گلستان سعدی» هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادب فارسی، از روح الله خادمی (۱۳۹۲). در این مقاله سعی شده است مسائل فقهی و حقوقی که در حکایات گلستان دست مایه حکایت پردازی قرار گرفته شده، از دیدگاه فقه شیعه بررسی شود.

مقاله «حقوق شهروندی در بوستان سعدی»، همایش بین المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی، از معصومه ذوقی کودهی (۱۳۹۴). در این مقاله برخی موضوعات حقوق شهروندی در بوستان به ویژه توصیه سعدی به صفات نیکی چون مدارا، عدالت، بخشش، احسان، تساهل و تسامح و ... که زمینه ساز برقراری حقوق شهروندی است بحث شده است.

مقاله «اصول و شاخصه های حقوق شهروندی در بوستان سعدی»، از عین الله اسدی گرجی و زینب باباجانی (۱۳۹۶). در این مقاله برخی اصول حقوق شهروندی شامل صلح و آشتی، تساهل و مدارا، ستایش شایستگان، تأمین امنیت و رفاه عمومی، خداترسی حاکمان، نوع دوستی و شفقت و احسان به هم‌نوع بحث شده است.

مقاله «کاربرد مفاهیم و اصطلاحات حقوقی در اشعار سعدی شیرازی» از محمد امین پورچنگیز (۱۳۹۳). در این مقاله تعدادی از اصطلاحات حقوقی به کار رفته در آثار سعدی تشریح شده است. نقد سوابق پژوهش: اشکال اصلی این مقالات این است که نویسندگان آنها، به آثار سعدی از منظر حقوقی نگریستند در حالی که سعدی حقوقدان نبود بلکه عالم دین و معلم اخلاق بود که در پند و اندرزهای اخلاقی او، مسایل حقوقی هم وجود دارد و این به دلیل آمیختگی ذاتی برخی مسایل حقوقی با مباحث اخلاقی است. همچنین عمدتاً به بوستان و گاهی گلستان پرداختند و نگاه جامعی به کلیه آثار سعدی نداشتند. ما در این مقاله هم از حقوق فردی و هم حقوق اجتماعی - شهروندی از منظر آموزه‌های اخلاقی، با بررسی تمامی آثار سعدی به صورت جامع و کامل بحث کردیم.

#### روش پژوهش:

روش این تحقیق، روش نظری و بر مبنای توصیف و تحلیل و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است که با فیش برداری از مطالب مورد نظر و طبقه‌بندی و تحلیل آن‌ها صورت گرفته است.

#### ادبیات تحقیق:

اخلاق جمع خُلق است و به مجموعه قوانین، کردار و ارزشهایی که در یک جامعه به عنوان هنجار شناخته میشوند اطلاق میگردد. به عبارت دیگر اخلاق از نظر اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب میشوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود» (مسکویه: بی تا، ص ۵۱).

شاخه‌های اخلاق با توجه به ارتباطات چهارگانه انسانی عبارتند از: اخلاق بندگی (ارتباط با خدا)، اخلاق فردی (ارتباط با خود)، اخلاق اجتماعی (ارتباط با دیگران یا جامعه)، اخلاق محیطی (ارتباط با طبیعت و تلاش برای حفظ و سلامت آن).

در تعریف حق گفته‌اند: «حق اقتدار و سلطه یا توانایی خاصی است که قانونگذار به شخص یا اشخاصی میدهد تا نسبت به شخص یا اشخاص یا چیز دیگر (مال) و یا هر دو (هم شخص و هم مال) اعمال کند» (ساکت، ۱۳۷۱، ص ۵۱).

حق را به اقسام گوناگونی تقسیم کردند، از جمله: ۱. حق مالی و غیر مالی ۲. حق معنوی: «حقوقی است که به صاحب آن، اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را میدهد؛ مثل حقی که نویسنده اثر ادبی یا مخترعی نسبت به آن اثر و اختراع پیدا میکند» (کانونزبان، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۵۶). ۳. حق شخصیتی: این حق به حفظ ذات و عرض انسان برمیگردد (طاهری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۰). ۴. حقوق فردی که به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند: حق سیاسی، عمومی و خصوصی.

در آموزه های دینی به طور کلی سه نوع حق با عناوین حق الله، حق الناس و حق النفس مطرح شده است. حق الناس حقوقی است که انسان در رابطه با دیگران باید رعایت کند، حق الله حقوقی که انسان در رابطه با خداوند باید رعایت کند مانند انجام عبادات و پرهیز از محرمات. حق النفس هر چیزی است که انسان در رابطه با نفس و وجود خود و حفظ و سلامتی آن باید رعایت کند. در میان این سه حقوق، بنا بر آیات و روایات، حق الناس حساس تر و مهمتر است. در خصوص موارد حق الناس بر اساس آیات و روایات اسلامی، مردم و مؤمنان دارای سه نوع حق و احترام می باشند. امام صادق (ع) فرمود: الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ: عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ؛ مؤمن سراسر وجودش حرمت است: آبروی او، مال او و خون و جان او (نوری، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۳۹).

حقوق نیز معانی مختلفی دارد. «حقوق عبارت از است مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین میشود تا سعادت جامعه را تامین سازد» (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۵۳۷). «حقوق» در این معنا، جمع «حق» نیست، بلکه مترادف با قانون است. اما در معنی دیگر «حقوق» جمع کلمه «حق» به معنای امتیازات و بهره مندیهای هر یک از افراد یک جامعه است که گاه از آن به «حقوق فردی» تعبیر می شود.

حقوق شهروندی که تعبیر دیگری از حقوق عمومی است، مجموعه حقوق فردی هستند که هر فرد به عنوان شهروند از آن برخوردار است مانند: حق حیات، مالکیت، سلامت، کرامت، آزادی و امنیت، اشتغال و ... . ارتباط قواعد حقوقی با قواعد مذهبی و اخلاقی: شریعت اسلام گسترده است و به تبیین قواعد حاکم بر چگونگی رابطه انسان با خود و رابطه او با خدا و جامعه میپردازد و از این رو بخشی از قواعد دینی آن، در عین حال، قواعد حقوقی هم به شمار میرود. بسیاری از مباحث منابع فقهی، درباره مناسبات حقوقی اشخاص با یکدیگر و حقوق متقابل مردم و حاکمان است.

### مباحث و مسائل حقوقی و حقوق افراد در آثار و آموزه های اخلاقی سعدی

همانگونه که در مقدمه اشاره شد، سعدی عالم دین و معلم اخلاق است و بخش عمده ای از محتوای آثار او را پند و نصیحتها و آموزه های اخلاقی تشکیل میدهد و در همین بخش نیز عمده مباحث به موضوعات حقوقی اختصاص دارد که در این مقاله آنها را در سه بخش بررسی کردیم: حقوق خانواده، حقوق متقابل مردم نسبت به هم، حقوق متقابل حکومت و مردم (حقوق شهروندی).

### حقوق خانواده در آثار سعدی

سعدی در آثار خود مطالب فراوانی در باره حقوق خانواده آورده است که آنها را تحت سه عنوان «حقوق زن و شوهر»، «حقوق والدین» و «حقوق فرزندان» میتوان تقسیم کرد.

### حقوق زن و شوهر

سعدی با توجه به جامعه مردسالار آن روزگار، بیشتر از زنان میخواهد که حقوق شوهران را رعایت کنند. او در اشعار خود از زنان خوب سخن گفته و چند ویژگی آنان را برشمرده که مصداق رعایت حقوق خانوادگی است، از جمله: فرمانبرداری، پارسایی، غمگساری، با حجاب بودن، یکدلی، خوش سخنی، عیب پوشی و امانت داری:

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا  
چو مستور باشد زن خوب روی به دیدار او در بهشتست شوی  
کسی بر گرفت از جهان کام‌دل که یکدل بود با وی آرام دل  
وگر پارسا باشد و خوش سخن نگه در نکویی و زشتی ممکن...  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۱۶۳).

او در بوستان ضمن تمجید از زن خوب و تشبیه او به گنج، ویژگیهای زن بد را برمی‌شمارد که میتوان آنها را مصادیقی از نقض حقوق خانوادگی دانست از جمله: جنگ و جنجال کردن، بدون اجازه مرد از خانه بیرون رفتن، به حرف مرد گوش ندادن، جهل و بدکرداری، خیانت در امانت، خوش و پش کردن با نامحرمان و ...

دلارام باشد زن نیک خواه ولیک از زن بد خدایا پناه  
تهی پای رفتن به از کفش تنگ بلای سفر به که در خانه جنگ  
اگر زن ندارد سوی مرد گوش سراویل کحلش در مرد پوش  
چو در کیله جو امانت شکست ز انبار گندم فروشوی دست  
چو در روی بیگانه خندید زن دگر مرد گو لاف مردی مزین  
ز بیگانگان چشم زن کور باد چو بیرون شد ازخانه در گور باد  
زن خوب خوش‌طبع گنجست و یار ز زشت بدخوی رنجست و بار  
(همان).

سعدی از خست و تنگ نظری مرد در خانواده نیز که نوعی نقض حقوق خانواده است انتقاد دارد:

یکی زهره خرج کردن نداشت زرش بود و یارای خوردن نداشت...  
چو در زندگانی بدی با عیال گرت مرگ خواهند از ایشان منال  
(همان: ۹۵).

یکی دیگر از موارد حقوق زن و مرد هم‌کفو بودن آنان است که از مصادیق آن، تناسب سنی و تفاهم روحی است. سعدی به این جنبه از حقوق انسانی نیز توجه داشته و بارها از ازدواج اجباری دختران جوان با مردان پیر انتقاد کرده است: «زن جوان را اگر تیری در پهلو نشیند به که پیری» (یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۵۰).

### حقوق والدین در آثار سعدی

در آموزه‌های اسلامی احترام به والدین و رعایت حقوق آنها به ویژه مادر بسیار سفارش شده است. سعدی در آثار خود، در تأکید بر حق احترام به مادر، از بی‌احترامی و درشتی نسبت به مادر به شدت انتقاد کرده است. در گلستان می‌گوید: «وقتی به جهل جوانی بانگ بر مادر زدم، دل آزرده به کنجی نشست و گریان همیگفت: مگر خردی فراموش کردی که درشتی میکنی؟»

چه خوش‌گفت‌زالی به فرزندخویش  
گر از عهد خردیت یاد آمدی  
که تو شیر مردی و من پیرزن  
چه خوش‌گفت‌زالی به فرزندخویش  
که بیچاره بودی در آغوش من  
که تو شیر مردی و من پیرزن  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۵۲).

همین مضمون را سعدی در بوستان نیز آورده است:

جوانی سر از رای مادربتافت دل دردمندش به آذر بتافت  
چوبیچاره شد پیشش آورد مهده که ای سست مهر فراموش عهد،  
تو آئی که از یک مگس رنجه‌ای که امروز سالار و سرپنجه‌ای  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۱۷۲).

در مورد پدر نیز سعدی در کلیات اشعار و مواعظ خود فرزندان را به دانستن قدر پدر و احسان با وی و حرف‌شنوی از او سفارش کرده است:

شکرانه زورآوری روز جوانی آنست که قدر پدر پیر بدانی  
(خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۷۷۲).

از دست مده طریق احسان پدر تا بر بخوری ز ملک و فرمان‌پدر  
(همان: ۷۷۷).

سعدی معتقد است فرزندان باید نسبت به والدین حق شناس باشند تا فرزندان نیز همین قدرشناسی را نسبت به آنها داشته باشند:

تو به جای پدر چه کردی خیر تا همان چشم داری از پسرت  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۵۱).

#### حقوق فرزندان در آثار سعدی

در خصوص حقوق فرزندان، سعدی نکات قابل توجهی را در آثار خود یادآور شده است. از جمله: تربیت درست دینی، تامین رفاه و آسایش، محبت و پرهیز از خشونت، حرفه آموزی، آموزش فنون ورزشی و دفاعی، حفظ کردن فرزند از همنشینی با دوستان بد. در بوستان می‌گوید والدین باید فرزندان دیندار و عقیف، خردمند، با فرهنگ، پرهیزگار، سختی دیده و مقاوم تربیت کنند و این تربیت نیز باید از کودکی شروع شود:

پسر چون ز ده برگذشتش سنین ز نامحرمان گو فروتر نشین  
چوخواهی که نامت بماند به جای پسر را خردمندی آموز و رای  
چو فرهنگ و رایش نباشد بسی بمیری و از تو نماند کسی  
خردمند و پرهیزگارش برآر گرش دوست داری بنارش مدار  
به خردی‌درش زجر و تعلیم کن به نیک و بدش وعده و بیم کن  
(ناصر، ۱۳۸۱: ۶۷۹).

یکی دیگر از توصیه های سعدی به والدین، تامین رفاه و آسایش و نیازهای فرزندان است تا از سر احتیاج در دام دیگران نیفتند:

پسر را نکو دار و راحت رسان که چشمش نباشد به دست کسان  
هرآنکس که فرزند را غم نخورد دگر کس غمش خورد و بد نام کرد  
(همان: ۶۷۹).

همچنین مهربانی و محبت و پرهیز از بدرفتاری و خشونت:

فرو کوفت پیری پسر را به چوب بگفت ای پدر بی‌گناهم مکوب  
توان بر تو از جور مردم گریست ولی چون توجورم کنی چاره چیست  
(همان: ۵۶۷).

همچنین آشناکردن فرزند با فنون ورزشی و جنگی و بالابردن آمادگی و توان جسمی او تا در روز سختی و جنگ بتواند از خود و دیگران در برابر دشمنان دفاع کند:

چو پرورده باشد پسر در کنار  
بترسد چو پیش آیدش کارزار  
به کشتی و نخجیر و آماج و گوی  
دلور شود مرد پرخاش جوی  
به گرمابه پرورده و عیش و ناز  
بترسد چو بیند در جنگ باز  
(همان: ۲۳۷).

از دیگر حقوق فرزند بر پدر و مادر آموختن حرفه و شغل و هنر به فرزندان است. در بوستان می‌گوید:  
بیاموز فرزند را دسترنج  
وگر دست داری چو قارون به گنج  
چو بر پیشه باشدش دسترس  
کجا دست حاجت برد پیش کس  
(همان: ۶۷۹).

در گلستان نیز می‌گوید: «حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر هنرآموزید که مُلک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر به محل خطر است؛ اما هنر چشمه‌زاینده است و دولت پاینده و اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است...» (یوسفی ۲، ۱۳۶۸: ۱۵۴).

\* مراقبت فرزند از همنشینی با دوستان بد نکته دیگری است که سعدی به عنوان یکی دیگر از حقوق فرزندان به والدین یادآور میشود:

نگهدار از آمیزگار بدش  
که بدبخت و بی‌ره کندچون خودش  
(یوسفی ۱، ۱۳۶۸: ۱۶۵).

#### حقوق متقابل مردم نسبت به هم در آثار سعدی

در بینش اسلامی خداوند انسان را اشرف مخلوقات و جانشین خویش آفرید (بقره: ۳۰) و برای رسیدن به کمال و سعادت، برنامه زندگی او را در قالب دین تنظیم کرد که بسیاری از مباحث و مسائل دینی، درباره حقوق افراد جامعه است. امام صادق (ع) فرمود: «خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۶۴). بسیاری از این حقوق، در آثار سعدی و آموزه‌های اخلاقی او به طور گسترده‌ای منعکس شده است که در ادامه به آنها می‌پردازیم:

#### حق حیات

به دلیل اهمیت بالای حفظ جان، سعدی می‌گوید تا جایی که امکان دارد، جان خود را به خطر نیاندازید: «تا کار به زر برمی‌آید، جان در خطر افگندن نشاید» (یوسفی ۲، ۱۳۶۸: ۱۷۲). در نصیحت‌الملوک می‌گوید: «تا دفع مضرت دشمن به نعمت میتوان کرد، خصومت روا نباشد که خون از مال شریف‌تر است» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۶: ۸۱۲).

سعدی قتل و کشتن انسانها و حتی بدخواهان را نیز نکوهش میکند و میگوید این کار باید با تأمل صورت بگیرد:  
گروهی از سر بی‌مغز بی‌خبر گویند  
بریده به سر بدگوی تا نگوید راز  
من این ندانم، دانم تأمل اولیتر  
که تره نیست که چون برکنی بروید باز  
(همان: ۷۶۳).

در راستای همین حق حیات و حفظ جان افراد است که سعدی به تبع احکام دین، طرفدار حکم قصاص قاتلان و جانپان است. او در نصیحت یکی از ملوک می‌گوید: «قصاص خونبان به شفاعت فرو نگذارد» (همان: ۸۲۰).



نه بر حکم شرع آب خوردن، خطاست و گر خون به فتوا بریزی رواست  
کرا شرع فتوی دهد بر هلاک آلا تا نداری ز گشتنش باک  
(یوسفی ۱، ۱۳۶۸: ۵۱).

#### حق حفظ آبرو و احترام

از آنجایی که در آموزه های دین مبین اسلام، بر حفظ حرمت و آبروی انسانها به ویژه مومنان بسیار تاکید شده است، سعدی نیز به عنوان یک عالم دین و معلم اخلاق، در آثارش مطالب فراوانی در این زمینه آورده از جمله:

#### نهی از عیب جویی

سعدی در انتقاد از عیب جویی میگوید: «مردمان را عیب نهانی پیدا مکن که مر ایشان را رسوا کنی و خود را بی اعتماد» (یوسفی ۲، ۱۳۶۸: ۱۷۷).

در بوستان نیز در لزوم پرده پوشی و نکوهش عیب جویی میگوید:

به پوشیدن ستر درویش کوش که ستر خدایت بود پرده پوش  
منه عیب خلق ای خردمند پیش که چشمت فرو دوزد از عیب خویش  
(یوسفی ۱، ۱۳۶۸: ۷۹).  
(همان: ۱۷۰).

همچنین در غزلیاتش:

همه عیب خلق دیدن، نه مرو تست و مردی  
نگهی به خویشان کن، که توهم گناه داری  
(خرم‌شاهی، ۱۳۸۶: ۷۴۰).

#### نهی از مسخره کردن و زشت شمردن دیگران

در بوستان می گوید:

کسی را که نام آمد اندر میان به نیکوترین نام و نعتش بخوان  
چو همواره گوئی که مردم خردن مبرطن که نامت چو مردم برند  
(یوسفی ۱، ۱۳۶۸: ۱۶۰).  
رفیقی که غایب شد ای نیکنام دو چیزست از او بر رفیقان حرام  
یکی آن که مالش به باطل خوردن دوم آن که نامش به زشتی برند  
(همان: ۱۶۱).

#### نهی از بدگویی و غیبت و تهمت

غیبت عملی است که آبرو و حیثیت افراد را به خطر می اندازد. بنابراین غیبت تضييع حقوق دیگران است و در دین اسلام، این عمل گناهی کبیره و نابخشودنی است. در آثار سعدی بارها به این موضوع پرداخته شد. او در باب دوم گلستان، حکایتی از روزگار کودکی خود با پدرش نقل کرده که او را از غیبت منع کرده: «یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودمی و شب خیز و مولع زهد و پرهیز. شبی در خدمت پدر رحمه الله علیه نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد؛ چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده اند. گفت: جان پدر تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق آفتی» (یوسفی ۲، ۱۳۶۸: ۸۸).

سعدی غیبت و بدگویی از دیگران را نشانه بی هنری و حسادت غیبت کنندگان میدانند: «سفله چون به هنر با کسی بر نیاید به خبش در پوستین افتد،

کند هرآینه غیبت حسودِ کوتاه دست که در مقابله گنگش بود زبانِ مقال»  
(همان: ۱۷۸).

سعدی در بوستان، غیبت را بدتر از دزدی میدانند:

زبان کرد شخصی به غیبت دراز بدو گفت داننده سرفراز  
که یاد کسان پیش من بدمکن مرا بدگمان در حق خود مکن  
کسی گفت و پنداشتم طبیعتست که دزدی بسامانتر از غیبتست  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۱۵۹).

سعدی در نکوهش تهمت میگوید: «عقوبت آن کس که در حق بی‌گناهی افترا کند، آن است که به خصم سپارند تا دمار از روزگار او برآورد و دیگران از فضیحت او نصیحت پذیرند و عبرت گیرند» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۹).  
سعدی معتقد است که اعضا و جوارح انسان برای عبادت خدا و انجام کارهای نیک آفریده شده است و نباید برای کارهای ناروا و گناه به کار روند:

زبان آمد از بهر شکر و سپاس به غیبت نگرداندش حق شناس  
گذرگاه قرآن و پندست گوش به بهتان و باطل شنودن مکوش  
دو چشم ازپی صنع باری نکوست ز عیب برادر فرو گیر و دوست  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۱۷۳).

#### نهی از سخن چینی

سخن چینی از رذایل اخلاقی است که سبب دشمنی و کدورت می‌گردد و تضعیف‌کننده حقوق افراد است. سعدی در گلستان، در نکوهش سخن چینی می‌گوید: «سخن میان دو دشمن چنان گوی که اگر دوست گردند شرم‌زده نباشی:

میان دو کس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است  
کنند این و آن خوش دگر باره دل وی اندر میان کوربخت و خجل  
میان دو تن آتش افروختن نه عقل است و خود در میان سوختن»  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۷۲).

همچنین در باب هفتم بوستان، از سخن چینی چنین انتقاد می‌کند:

سخن چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیکمرد سلیم  
میان دوتن جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۱۶۲).

ندیدم ز غماز سرگشته‌تر نگون طالع و بخت برگشته‌تر  
(همان: ۱۶۳).

#### نهی از دروغ

لزوم راستگویی و پرهیز از دروغگویی از جمله حقوق مهم شهروندی است که باید رعایت شود. سعدی در سخنان خود به این موضوع تأکید دارد و می‌گوید باید از راست بودن سخن مطمئن شد سپس آن را بر زبان آورد:

تا نیک ندانی که سخن عینِ صواب است باید که به گفتن دهن از هم نگشایی  
گر راست سخن گوئی و در بند بمانی به زان که دروغت دهد از بند رهایی  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۸۶).

همچنین در باره اثر بد دروغ‌گویی می‌گوید: «دروغ گفتن به ضربت لازم ماند که اگر نیز جرات درست شود  
نشان بماند، چون برادران یوسف، عَلِيهِ السَّلَام، که به دروغی موسوم شدند نیز به راست گفتن ایشان اعتماد نماند؛  
یکی را که عادت بود راستی خطائی رود، درگذارند از او  
وگر نامور شد به قولِ دروغ دگر راست باور ندارند از او»  
(همان).

#### نهی از تجسس و تفتیش عقاید

سعدی در نکوهش تجسس در گلستان می‌گوید: «یکی از بزرگان پارسایی را گفت: چه گوئی در حق فلان عابد که  
دیگران در حق او به طعنه سخن‌ها گفته‌اند؟ گفت: بر ظاهرش عیب نمی‌بینم و در باطنش غیب نمی‌دانم؛  
هرکه را جامه پارسا بینی پارسا دان و نیکمرد انگار  
ور ندانی که در نهادش چیست محتسب را درون خانه چه کار؟»  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۸۶).

#### حقّ امنیّت مالی

در آموزه های دینی، مال انسان مومن نیز همچون جان و آبروی او حرمت و اهمیت دارد، لذا هرگونه تضییع حقوق  
مالی مذموم و حرام است. سعدی بارها در آثارش دزدی را نکوهش کرده و گدایی را بهتر از آن دانسته است: «دزدی  
گدایی را گفت: شرم نداری که برای جوی سیم دست پیش هر لئیم دراز کنی؟ گفت:  
دست دراز از پی یک حبه سیم به که بپرند به دانگی و نیم  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۱۹).

در نکوهش به ناروا خوردن مال مردم در بوستان می‌گوید:

رفیقی که غایب شد ای نیکنام دو چیزست از او بر رفیقان حرام  
یکی آن که مالش به باطل خوردند دوم آن که نامش به زشتی برند  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۱۶۱).

او کم فروشی را هم که نوعی دزدی است زشت می‌داند و می‌گوید غیبت از کسی که کم‌فروشی میکند رواست:  
سه کس را شنیدم که غیبت رواست وزین در گذشتی چهارم خطاست  
یکی پادشاهی ملامت پسند کز او بر دل خلق بینی گزند  
دوم پرده بر بی‌حیایی مَتَن که خود می‌درد پرده بر خویشتن  
سوم کژ ترازوی ناراست خوی ز فعل بدش هر چه دانی بگوی  
(همان).

سرقّت از نظر سعدی تنها مال و اموال مردم نیست بلکه او سرقت آثار ادبی را نیز مذموم و خود را از این کار مبراً  
میداند:

ز خردی تا بدین غایت که هستم حدیثِ دیگری بر خود نیستم  
(خرم‌شاهی، ۱۳۸۶: ۷۸۶).

### حَقّ نوع دوستی

سعدی معتقد است که انسان باید به فکر هم نوعان و گرفتاریهای آنان باشد و گرنه نام انسانیت را شایسته نیست: بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار تو کز محنت دیگران بیغمی نشاید که نامت نهند آدمی (یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۶۶).

او در بوستان نیز از انسان دوستی و همدردی نسبت به هم‌نوعان سخن میگوید:

که مرد ارچه بر ساحل است، ای رفیق نیاساید و دوستانش غریق نخواهد که بیند خردمند، ریش نه بر عضو مردم، نه بر عضو خویش منغص بود عیش آن تندرست که باشد به پهلوی رنجور سست (یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۵۸).

سعدی در دیوان قصاید و غزلیاتش نیز همگان را به نوع دوستی و خیرخواهی و رعایت حقوق هم دعوت کرده است: هر بدی که به خود نمیپسندی با کس مکن ای برادر من (خرم‌شاهی، ۱۳۸۶: ۷۶۸).

خویش‌تن را خیرخواهی خیرخواه خلق باش  
زانکه هرگز بد نباشد نفس نیک‌اندیش را  
آن‌چه نفس خویش را خواهی حرامت سعدیا  
گرنخواهی همچنان بیگانه‌را و خویش را  
(همان: ۷۲۲).

### حَقّ نیکوکاری و پرهیز از بدکاری و آزار دیگران

سعدی پرهیز از آزار دیگران و نیکی کردن به انسانها را بارها در آثار خود گوشزد کرده است، از جمله:

تا توانی درون کس مخراش کاندر این راه خارها باشد  
کار درویش مستمند برآر که تو را نیز کارها باشد  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۸۳).

به بازوان توانا و قوت سر دست  
خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست  
(همان: ۶۶)

او در بوستان نیز همگان را به نیکوکاری دعوت میکند.

نکوکار مردم نباشد بدش نورزد کسی بد که نیک افتدش  
اگر نفع کس در نهاد تونیست چنین گوهر و سنگ خارا یکی است  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۶۲).

خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است  
کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای  
(همان: ۸۹).

### حق خویشاوندی

سعدی معتقد است که اقوام و خویشان باید به فکر همدیگر باشند و نسبت به هم فداکاری و ایثار داشته باشند. اما اگر نااهل و بی‌تقوا باشند باید با آنها قطع رابطه کرد: «بزرگی را پرسیدم از سیرت اخوان صفا. گفت: کمینه

آن که مراد خاطر باران بر مصالح خویش مقدم دارد و حکما گفته‌اند: برادر که در بند خویش است نه برادر و نه خویش است؛

همراه اگر شتاب کند همره تو نیست دل در کسی مبند که دل بسته تو نیست

چون نبود خویش را دیانت و تقوا قطع رحم بهتر از مودت قُربی»  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۰۶).

«یاد دارم که یکی مدعی در این بیت بر قول من اعتراض کرد و گفت: حق تعالی در کتاب مجید از قطع رحم نهی کرده است و به مودت ذی‌القربی فرموده، و آن چه تو گفتی مناقض آن است. گفتم غلط کردی که موافق قرآن است: «وَأَنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (همان).

### حق دوستی

در باره دوست و دوستی، در آثار سعدی مطالب فراوان و قابل توجهی وجود دارد. او در گلستان بر رعایت حق دوستی تأکید میکند و میگوید دوستان باید هنگام سختی و گرفتاری به یکدیگر کمک کنند: «قول حکما درست آمد که گفته‌اند: دوستان در زندان به کار آیند که بر سفره همه دشمنان دوست نمایند؛

دوست مشمار آن که در نعمت زند لاف یاری و برادر خواندگی  
دوست آن دانم که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی»  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۷۲).

سعدی در غزلیات خود نیز بر وفاداری و رعایت حق دوستی به ویژه در گرفتاریها تأکید میکند:

دوست نباشد به حقیقت که او دوست فراموش کند در بلا  
(خرم‌شاهی، ۱۳۸۶: ۳۶۰).

از جمله حقوق دوست و همنشین که سعدی در گلستان به آن اشاره کرده، این است که نباید با رفت و آمدهای زیاد موجب زحمت و رنج او شد: «أَبُو هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، هَر رُوزَ بِه خِدْمَتِ مِصْطَفَى، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَمَدَى. يَك رُوزَ فَرَمُود: يَا أبا هُرَيْرَةَ زُنَى غِيًّا تَرَدَّدَ حُبًّا: هَر رُوزَ مِيا تا مَحَبَّتِ زِيادَتِ شُود  
به دیدار مردم شدن عیب نیست ولیکن نه چندان که گویند بس»  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۹۹).

یکی دیگر از حقوق دوستی این است که انسان باید دوستش را به عیبهایش آگاه کند و اخلاق بد او را را نیک جلوه ندهد:

از صحبت دوستی به رنجم که اخلاق بدم حسن نماید  
عیب هنر و کمال بیند خارم گل یاسمن بیند  
کو دشمن شوخ چشم ناباک تا عیب مرا به من نماید  
(همان: ۱۳۱).

همچنین باید قدر دوستی را دانست و از آزار او پرهیز کرد: «دوستی را که به عمری فراچنگ آرند نشاید که به یک دم بیازارند؛

سنگی به چند سال شود لعل پاره‌ای زنهار تا به یک نفسش نشکنی به سنگ»  
(همان: ۱۸۰).

سگ بر آن آدمی شرف دارد کو دل دوستان بیازارد  
(خرم‌شاهی، ۱۳۸۶: ۷۸۲).

همچنین سعدی معتقد است که دوستی باید دو طرفه باشد:

مرا رفیقی باید که بار برگیرد نه صاحبی که من از وی کنم تحمل بار  
کسی که از غم و تیمار من نیندیشد چرا من از غم و تیمار وی شوم بیمار؟  
(همان: ۶۶۴).

#### حقوق آموزگار و شاگرد

سعدی معتقد است که باید حق استاد را پاس داشت و سخن او را با گوش جان شنید و در برابر او اظهار ارادت کرد. در گلستان از زبان پدری، ابتدا استادان ریاکار را نکوهش می‌کند اما در ادامه به فرزند خود گوشزد می‌کند که مبادا به خیال اینکه همه استادان ریاکار هستند از تلمذ دست برداری: «پدر گفت ای پسر، به مجرد این خیال باطل شاید روی تربیت ناصحان بگردانیدن و علما را به ضلالت منسوب کردن و در طلب عالم معصوم از فواید علم محروم ماندن. همچنین مجلس وعظ چون کلبه بزآزست؛ آن جا تا نقدی ندهی بضاعتی نستانی و این جا تا ارادتی نیاوری سعادتت نبوی؛

گفت عالم به گوش جان بشنو و نماند به گفتنش کردار  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۰۴).

همچنین می‌گوید: «تلمیذ بی‌ارادت، عاشق بی‌زست و رونده بی‌معرفت، مرغ بی‌پر» (همان: ۱۸۳).

سعدی در بوستان نیز تأکید دارد که شاگرد در علم آموزی باید ارادت داشته باشد و از غرور دور باشد:

یکی در نجوم اندکی دست داشت ولی از تکبر سری مست داشت  
بر گوشیار آمد از راه دور دلی پر ارادت، سری پر غرور  
خردمند از دیده بردوختی یکی حرف در وی نیاموختی  
چو بی‌بهره عزم سفر کرد باز بدو گفت دانای گردن‌فراز  
تو خود را گمان برده‌ای پر خرد انائی که پر شد دگر چون برد؟  
ز دعوی پُری زان تهی می‌روی تهی آی تا پُر معانی شوی  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۱۲۸).

در باب حقوق شاگردان، سعدی ضمن انتقاد غیرمستقیم از سختگیری و بدخلقی آموزگاران: «یکی از فضلا تعلیم مَلِک‌زاده‌ای همیکرد و ضرب بی‌محابا زدی و زجر بی‌قیاس کردی...» (یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۵۵)، معتقد است که استاد باید در روش تعلیم خود جدی باشد و نه آنقدر بی‌آزار و مهربان که کودکان تعلیم نپذیرند. او در حکایتی از گلستان ابتدا از استادی سخت‌گیر انتقاد می‌کند اما در پایان به این نتیجه میرسد که سختگیری استاد لازم است: «معلم کتّابی را دیدم در دیار مغرب تُرش روی، تلخ‌گفتار، بدخوی ... القصّه شنیدم که ... برانندند. پس آن‌گه مکتب وی به مُصلحی دادند، پارسایی سلیم، نیک‌مرد، حلیم ... کودکان را هیبت استاد نخستین از سر بدر رفت و معلم دومین را اخلاق مَلِکی دیدند، دیو یک یک شدند؛ به اعتماد حلیم او علم فراموش کردند؛ همچنین اغلب اوقات به بازیچه فراهم نشستندی و لوح درست ناکرده در سر هم شکستندی.

استادمعلم چو بود بی‌آزار خرسک بازند کودکان در بازار

بعد از دو هفته در آن مسجد گذر کردم و معلم اولین را دیدم که دل خوش کرده بودند و به مقام خویش آورده. انصاف برنجیدم و لاجول گفتم که دگر باره ابلیس را معلم ملایکه چرا کردند! پیرمردی ظریف جهان دیده بشنید و بخندید و گفت:

پادشاهی پسر به مکتب داد لوح سیمینش برکنار نهاد  
برسر لوح او نوشته به زر جور استاد به که مهر پدر  
(همان: ۱۵۶).

از دیگر حقوق شاگردان این است که استاد در آموزش عدالت را رعایت کند و برای او بین فقیر و غنی تفاوتی نباشد: «پادشاهی پسر را به ادیبی داد وگفت: این فرزند توست، تربیتش هم چنان کن که یکی از فرزندان خویش. گفت: فرمانبردارم. سالی چند بر او سعی کرد و به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک دانشمند را مؤاخذت کرد و معاتب فرمود که وعده خلاف کردی و وفا بجا نیاوردی. گفت: بر رأی خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است و لیکن طبایع مختلف؛

گرچه سیم و زر ز سنگ آید همی در همه سنگی نباشد زرّ و سیم  
بر همه عالم همی تابد سهیل جایی انبان می کند جایی ادیم»  
(همان: ۱۵۷).

#### حقوق یتیمان

سعدی که خود درد یتیمی کشیده است، مخاطبانش را اینگونه به رعایت حقوق یتیمان و محبت به آنها سفارش میکند:

پدر مرده را سایه بر سر فگن غبارش بیفشان و خارش بکن  
ندانی چه بودش فرو مانده سخت؟ بود تازه بی بیخ هرگز درخت؟  
چو بینی یتیمی سرافکنده پیش مده بوسه بر روی فرزند خویش  
الا تا نگرید که عرش عظیم بلرزد هی چون بگرید یتیم  
به رحمت بکن آیش از دیده پاک به شفقت بیفشانش از چهره خاک  
اگر سایه ای خود برفت از سرش تو در سایه خویشتن پرورش  
(یوسفی، ۱: ۱۳۶۸: ۸۰).

#### حقوق شهروندی یا حق مردم بر حکومت در آثار سعدی

از آنجایی که سعدی در نظر حاکمان زمانش، ارج و قرب والایی داشته و سخنان و نصایح او به گوش جان شنیده میشد، در آثارش در باره حقوق شهروندی و حقوق مردم نسبت به حکومت مطالب و موارد فراوانی ذکر شده که عمدتاً خطاب به حاکمان زمانه است. عمده ترین آنها عبارتند از:

#### لزوم اجرای عدالت در حکومت

عدالت از لوازم اصلی رعایت حقوق شهروندی است و مسلماً از اهداف اصلی و مهم هر حکومتی اجرای عدالت در بین مردم است. سعدی نیز عدالت را محور اصلی حاکمیت و هدف اصلی تشکیل حکومت میداند. او در آثار خود، همواره حاکمان زمان را به عدالت و کارهای خیر دعوت میکند. از جمله در مواضع خود خطاب به پادشاه می گوید:

کمر به طاعت و انصاف و عدل و عفو ببند چودست مینت حق برسرت نهاده کلاه  
(خرمشاهی، ۱: ۳۸۶: ۶۸۷).

به نوبت‌اند ملوک اندرین سپنج‌سرای کنون که نوبت تست ای ملک به عدل‌گرای (همان).

در نصیحه الملوک نیز اولین توصیه‌ای که به حکام میکند، همان فرموده حق تعالی در قرآن کریم است: «... ملوک جهان را نصیحت رب العالمین بسنده است که در کتاب مجید میفرماید: *وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ*. و دیگر فرمود ان‌الله یا مُرُّ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (همان: ۸۰۳).

او در باب اول بوستان نیز از لزوم عدالت در حکومت میگوید:

الا تا نیچی سر از عدل و رای که مردم ز دست نیچند پای  
از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست که در مُلکرانی به‌انصاف زیست  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۴۳).

#### انتخاب وزیر و کارگزاران شایسته توسط حاکم (شایسته سالاری)

او در باب اول بوستان، به حاکمان توصیه میکند که افراد خداترس و باتقوا را امین ملک قرار دهند:

خدا ترس باید امانت‌گزار امین کز تو ترسد امینش مدار  
امین باید از داور اندیشناک نه از رفع دیوان و زجر و هلاک  
(همان: ۴۴).

در نصیحت‌الملوک میگوید: «وزارت پادشاهان را کسی شاید که شفقت بر دین پادشاهان از آن بیشتر دارد که برمال او، و حیف سلطان بر رعیت روا ندارد» (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۵).

#### حسن معاشرت حاکم با مردم

از حقوق دیگر مردم بر حکومت، اخلاق خوب و خوش‌برخوردی حاکم با رعیت است تا مردم جرأت طرح خواسته‌ها یا شکایات خود را داشته‌باشند. سعدی در نصیحت‌الملوک به حاکمان میگوید: «با دوست و دشمن طریق احسان پیش گیر که دوستان را مهر و محبت بیفزاید و دشمنان را کینه و عداوت کم شود» (همان: ۸۰۷).  
«صاحب‌فرمان را، تحمل زحمت فرمانبران واجب است، تا مصلحتی که دارند فوت نشود. باید که مراد همه بجوید و حاجات هر یکی را به حسب مراد برآورده گرداند که حاکم تند ترش‌روی پیشوایی را نشاید» (همان).

#### پرهیز حاکم از مشورت با افراد بدآموز

سعدی به حاکمان میگوید از مشورت با انسانهای بدآموز دوری کنید:

معلمان بدآموز را سخن مشنو که دیر سال بمانی به کام نیکخواه  
(همان: ۶۸۷).

#### پرهیز حاکم از افراد عیب‌جو

در نصیحت‌الملوک میگوید: «هر که بد اندر قفای دیگری گفت، از صحبت او بپرهیز که در پیش تو همچنین طبیعت کند و از قفا غیبت» (همان: ۸۱۱). همچنین در نامه‌ای دیگر به یکی از ملوک: «بدگوی مردم به دوستی نگیرد که با وی همان معاملت کند که با دیگران کرد» (همان: ۸۲۱).

در باب اول بوستان نیز حاکمان را از افراد عیب‌جو و بداندیش برحذر میدارد:

بداندیش برخرده چون دست یافت درون بزرگان به آتش بتافت  
به خُرده توان آتش افروختن پس آنگه درخت کهن سوختن  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۴۸).



### پرهیز حاکم از افراد چاپلوس و مدّاح

سعدی حاکم جامعه را از افراد چاپلوس برحذر میدارد و این افراد را هم‌ردیف دشمن فریب‌کار میدانند و میگوید: «فریب دشمن مخور و غرور مدّاح مخر که این دام رزق نهاده است و آن دامن طمع گشاده؛

آلا تا نشنوی مدح سخنگوی که اندک مایه نفعی از تو دارد  
که گر روزی مرادش برنیاری دوصد چندان عیوبت برشمارد»  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۱۷۵).

مباش غره به گفتار مدّاح طمّاع که دام مکر نهاد از برای صید نصیب  
(خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۷۴۷).

### پرهیز حاکم از همنشینی با ناهلان و فرومایگان

سعدی همواره انسان‌ها خصوصاً حاکمان را از همنشینی با بدان و ناهلان برحذر میدارد. در نصیحت‌الملوک میگوید «مردم متهم ناپرهیزگار قرین و رفیق خود نگرداند که طبیعت ایشان درو اثر کند و اگر نکند از شنعت خالی نماند، و تأدیب دیگران که همان فعل دارد از وی درست نیاید» (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۶). نیز: «با دونان و بی‌هنران ننشیند» (همان: ۸۲۰). همچنین میگوید: «مطرب و نرد و شطرنج و بازیگر و شاعر و افسانه‌گوی مشعبد و امثال این، همه وقتی راه به خود ندهد که دل را سیاه کند مگر دفع ملال را هر مدّتی نوبتی» (همان: ۸۰۶).

### همنشینی حاکم با نیکان

سعدی در نصیحت‌الملوک حاکمان را به همنشینی این افراد سفارش میکند: «جلسی خدمت پادشاه کسانی سزاوار باشند عاقل، خوبروی، پاکدامن، بزرگ‌زاده، نیک‌نام، نیک‌سرانجام، جهان‌دیده، کارآزموده، تهرچه ازو در وجود آید پسندیده کند» (همان: ۸۰۵).

همچنین سعدی حاکمان را سفارش میکند با کسانی همنشینی کنند که عیب‌هایش را به او بگویند:

به نزد من آن‌کس نکوخواه تست که گوید فلان خار در راه تست  
هرآنکه که عیبت نگویند پیش هنر دانی از جاهلی عیب خویش  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۷۰).

### حمایت حاکم از دانایان و خردمندان و اهل رزم و عزیز داشتن آنها

سعدی به حاکمان توصیه می‌کند دو گروه از مردم موجب سربلندی و سعادت دولت هستند؛ یکی دانشمندان و خردمندان و دیگری مردان جنگی، پس باید این دو گروه را درکنار خود پرورش داد:

دو تن پرور ای شاه کشور گشای یکی اهل رزم و دوم اهل رای  
ز نام آوران گوی دولت برند که دانا و شمشیر زن پرورند  
قلمزن نگهدار و شمشیرزن نه مطرب‌که‌مردی نیاید ز زن  
(همان: ۷۶).

رسم و آیین پادشاهانست که خردمند را عزیز کنند  
وز پس عهد او وفاداری با خردمندزاده نیز کنند  
(خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۷۵۷).

### نهی از تبعیض و ندادن امتیازات خاص به نزدیکان (پرهیز از رانت خواری)

سعدی در این باره میگوید: «ظلم صریح، از گناه خاصان تن زدن است و عامیان را گردن زدن» (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶).

۸۱۰. «اول نصیحتِ نزدیکان و پس آنگاه ملامت دُوران» (همان).

#### عفو و گذشت نسبت به خطاهای زیردستان

سعدی در بوستان حاکمان را همچون پدر جامعه میدانند که در کنار بیم دادن و مجازات کردن، باید اهل عفو و گذشتن از گناه زیردستان نیز باشند:

یکی را که معزول کردی زجاء چو چندی برآید ببخشش گناه  
به فرمانبران بر شه دادگر پدروار خشم آورد بر پسر  
گهش میزند تا شود در دناک گهی میکند آتش از دیده پاک  
(یوسفی، ۱: ۱۳۶۸: ۴۵).

سعدی در مواعظ خود نیز حاکمان را به چشم‌پوشی از جرم خطای مسکینان و بیچارگان و پوزش‌خواهان دعوت میکند:

چون خداوندت بزرگی داد و حکم خرده از خردان مسکین درگذار  
عذرخواهان را خطاکاری ببخش زنهاری را به جان ده زینهار  
(خرم‌شاهی، ۱: ۱۳۸۶: ۶۶۸).

در نصیحه الملوک نیز میگوید: «بنده‌ای را که درعملی تقصیر کرده باشد و خدمتی به شرط به جای آورده، چون مدتی مالش عزلت خورد، دیگر بار عمل فرماید» (همان: ۸۰۸). «بنده را که به گناهی شنیع از نظر براند، حق خدمت قدیمش به یک‌بار فراموش نکند» (همان: ۸۰۹).

#### عدم دست‌درازی حکومت به اموال مردم

سعدی معتقد است که برقراری عدالت اجتماعی و عدم تجاوز به مال مردم باید از حاکم جامعه شروع شود. اگر حاکم به مال مردم دست‌درازی کند، عمال او بیشتر از حاکم به مال مردم تجاوز می‌کنند:

اگر زباغ رعیت ملک خورد سببی برآوردن غلامان او درخت از بیخ  
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد ز نند لشکریانش هزار مرغ به سیخ  
(یوسفی، ۲: ۱۳۶۸: ۷۴).

در نصیحه الملوک گوید: «همت عالی آن که دست به مال مسکینان نیالایند» (خرم‌شاهی، ۱: ۱۳۸۶: ۸۱۴).

#### مسلط نکردن قوی بر ضعیف

بقای مملکت اندرو وجود یک شرطست که دست هیچ قوی بر ضعیف‌نگماری  
(خرم‌شاهی، ۱: ۱۳۸۶: ۶۹۳).

در نصیحه الملوک نیز گوید: «پادشاهان و لشکریان از بهر محافظت رعیت‌اند تا دست تطاول قوی را از ضعیف کوتاه گردانند. چون دست قوی را کوتاه نگردانند، و خود دراز دستی روا دارند، مر این پادشاه را فایده نباشد، لاجرم بقایی نکند» (همان: ۸۱۲).

#### رعایت حقوق زندانیان و اسیران

سعدی در قالب پند و اندرز به حاکمان تذکر می‌دهد که در برخورد با متهمان و زندانیان باید تحقیق کافی صورت بگیرد و از شتاب‌کاری پرهیز گردد تا بی‌گناهی به ناروا مجازات نشود.

صواب است پیش از گشیش بند کرد که نتوان سر گشته پیوند کرد  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۵۱).

نظر کن در احوال زندانیان که ممکن بود بیگانه در میان  
(همان).

در نصیحت الملوک میگوید: «در هر دو سه ماه، شحنة زندان را بفرماید به غوص احوال زندانیان کردن، تا بی گناهان را خلاص دهد و گناه کوچک را پس از چند روزی ببخشد» (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۷).  
همچنین در نامه‌ای به یکی از ملوک: «و در زندان به هر وقتی نظر فرماید و کشتنی بکشد و رها کردنی رها کند و گناه کوچک را به قدر آن مالش دهد و بی گناه را دست باز دارد» (همان: ۸۲۱).  
در مورد زندانی شدن افراد بزرگ و نامدار میگوید باید مطابق شأنشان با آنها رفتار شود و احترامشان حفظ گردد: «خداوندان شوکت را چون به زندان فرستد عزت و حرمت دارد و...» (همان: ۸۱۰). «و مردم نامی را در بند گرامی دارد و کسان معتبر در خدمت ایشان برگمارد» (همان).

#### رعایت حق بزرگان در حکومت

سعدی اعتقاد دارد که نام بزرگان باید همواره به نیکی برده شود و همچنین به مردم باید نیکی کرد تا پیروزیهای بزرگ حاصل شود. او این مطلب را ضمن بیان قصه‌ای کوتاه از اسکندر بیان میکند. «اسکندر رومی را پرسیدند که دیار مشرق و مغرب به چه گرفتی که ملوک پیشین را خزاین و عمر و لشکر بیش از این بود و چنین فتحی میسر نشد؟ گفت: به عون خدای، عز و جل، هر مملکت را که بگرفتم رعیتش نیازدم و نام پادشاهان جز به نیکی نبردم؛  
بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد»  
(یوسفی، ۲، ۱۳۶۸: ۸۵)

احترام به بزرگان و کسانی که دارای سابقه و پیشینه تلاش و کار در حکومت هستند؛ برای هر حکومت و دولتی واجب است. سعدی این امر را بارها در آثار خود به حاکمان متذکر شده است. او در باب اول بوستان میگوید:  
قدیمان خود را بیفزای قدر که هرگز نیاید ز پرورده غدر  
چو خدمتگزاریت گردد گهن حق سالیانش فراموش مکن  
(یوسفی، ۱، ۱۳۶۸: ۴۴).

سعدی در مواعظ خود نیز حاکمان را سفارش میکند که نام نیک رفتگان را ضایع و پنهان نکنند:  
هرکه خیری کرد و موقوفی گذاشت رسم خیرش همچنان بر جای دار  
نام نیک رفتگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت یادگار  
(خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۷۶۲).

در نصیحت الملوک نیز میگوید: «علما و ائمه دین را عزت دارد و حرمت، و زبر دست همگنان نشانند و به استصواب رای ایشان حکم راند تا سلطنت مطیع شریعت باشد، نه شریعت مطیع سلطنت» (همان: ۸۰۴). «پیشوای همه ملت‌های عزیز دارد و به حرمت نشانند» (همان: ۸۱۵).

تأمین امنیت و آرامش مردم توسط حکومت با مجازات افراد ظالم و شرور  
امنیت و آسایش و آرامش حقی طبیعی هر انسانی است. سعدی به حاکمان سفارش اکید دارد که برای تأمین

امنیت و آسایش مملکت باید قاطعیت داشت و دست افراد شرور را کاملاً از سر جامعه کوتاه نمود:  
در بوستان میگوید:

مبخشای در هر کجای ظالمیست که رحمت برو جور بر عالمیست  
چو اندر سری بینی آزار خلق به شمشیر تیزش بیازار حلق  
چو گریه نوازی کبوتر برد چو فربه کنی گرگ، یوسف درد  
(یوسفی، ۱: ۱۳۶۸: ۹۸).

مکافات موذی به مالش مکن که بیخش برآورد باید ز بن  
مکن صبر بر عامل ظلم دوست چه از فربهی بایش کند پوست  
سر گرگ باید هم اول بُرید نه چون گوسفندان مردم درید  
(همان: ۴۳).

در نصیحه الملوک نیز گوید: «فاسق و فاجر را تقویت و دلداری کمتر کند که یار بدان شریک معصیت است و مستوجب عقوبت» (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۵). «قطع دزدان و قصاص خونیان به شفاعت دوستان در نگذار» (همان: ۸۰۶). «داد ستمدیدگان بدهد تا ستمکاران خیره نگردند که گفته‌اند: سلطان که رفع دزدان نکند حقیقت خود کاروان میزند» (همان). «گناهی که به سهو از کسی آید کرم آن است که درگذاری و اگر چنان‌که به قصد آید نخستین بار بترسانی و اگر بار دیگر دلیری کند خونش بریزی که بیخ بد بار نیکو ندهد» (همان).

اگر خونی نریزد شاه عالم بسا خونا که در عالم بریزند  
بباید کشت هر یک چند گرگی به زاری تا دگر گرگان گریزند  
(همان: ۷۵۶).

#### توجه به حقوق صاحبان مشاغل

سعدی به صاحبان مشاغل نیز توجه دارد، خصوصاً بازرگانان و رسولان و مسافران و گردشگران و هنرمندان:  
شهنشه که بازرگان را بخت در خیر بر شهر و لشکر بست  
نکو بایدت نام و نیکی قبول نکو دار بازرگان و رسول  
بزرگان مسافر به جان پرورند که نام نکویی به عالم برند  
نکو دار ضیف و مسافر عزیز و ز آسپیشان برحذر باش نیز  
(یوسفی، ۱: ۱۳۶۸: ۴۴).

همچنین سعدی حاکم را از خوردن اموال بازرگانان نهی میکند و این کار را باعث بد نامی میدانند:  
چو بازرگان در دیارت بمرد به مالش خساست بود دستبرد  
کزان پس که بر وی بگریند زار بهم باز گویند خویش و تبار  
که مسکین در اقلیم غربت بمرد متاعی کز او ماند ظالم بُرد  
(همان: ۵۱).

همچنین در باب هنرمندان میگوید: «هنرمندان را نکو دارد، تا بی‌هنران راغب شوند و هنرپرورند، و فضل و ادب شایع گردد و مملکت را جمال بیفزاید» (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۸).

توجه به معیشت و تأمین رفاه و آسایش مردم

کسی زین میان گوی دولت ربود که در بند آسایش خلق بود  
(یوسفی، ۱: ۱۳۶۸: ۶۵)

در این خصوص توجه سعدی بیشتر به افراد ضعیف و بیچاره است از جمله:

#### رسیدگی به تهیدستان و درویشان

در مدح حاکم شیراز در قالب دعا میگوید:

خدایا تو این شاه درویش دوست که آسایش خلق در ظلّ اوست  
بسی بر سرِ خلق پاینده دار به توفیق طاعت دلش زنده‌دار  
(همان: ۴۰).

در نصیحه الملوک نیز میگوید: «روی از حکایت درویشان و مهمات ایشان درنکشد و به لطف با ایشان گوید و به رغبت بشنود» (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۸).

#### توجه به زنان بی‌سرپرست

شنیدم که بیوه زنی دردمند همی‌گفت و رخ بر زمین مینهاد  
هر آن کدخدا را که بر بیوه زن ترخم نباشد، زنش بیوه باد  
(خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۷۵۱).

«پیران ضعیف و بیوه‌زنان و یتیمان و محتاجان و غریبان را همه وقت امداد میفرماید» (همان: ۸۰۵).

#### توجه به احوال یتیمان.

«مال مردگان به یتیمان بازگذارد، که دست همت، به مثل آن آلودن لایق قدر پادشاه نیست و مبارک نباشد» (همان: ۸۱۳).

بیندیش از آن طفلک بی‌پدر وز آه دل دردمندش حذر  
بسا نام نیکوی پنجاه سال که یک‌نام زشتش کند پایمال  
(یوسفی، ۱: ۱۳۶۸: ۵۱).

#### توجه به احوال دردمندان و نیازمندان و غریبان.

نخواهی که باشد دولت دردمند دل دردمندان برآور ز بند  
(یوسفی، ۱: ۱۳۶۸: ۵۴).

تبه گردد آن مملکت عن قریب کزو خاطرآزرده آید غریب  
غریب آشنا باش و سیاح دوست که سیاح جلاب نام نکوست  
(همان: ۴۴).

«پیران ضعیف و بیوه‌زنان و یتیمان و محتاجان و غریبان را همه وقت امداد میفرماید» (خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۵).

#### توجه به بازنشتگان

چو خدمتگزاریت گردد گهن حق سالیانش فراموش مکن  
گر او را هرَم دست خدمت بیست ترا بر کرم همچنان دست هست  
(یوسفی، ۱: ۱۳۶۸: ۴۴).

در رساله نصیحه الملوک گوید: «خدمت‌کاران قدیم را که قوت خدمت نمانده است اسباب مَهْتَبَا دارد و خدمت درنخواهد که دعای سحرگاه به از خدمت درگاه» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۶: ۸۰۵).

### توجه به حادثه دیدگان

در نصیحه الملوک گوید: «کاروان زده و کشتی شکسته و مردم زبان رسیده را تفقد حال به کمابیش بکند که اعظم مهمات است» (همان: ۸۰۸). همچنین: «زبان‌زدگان را دستگیری کند» (همان: ۸۲۰).

### توجه به حال بدهکاران

«با غریم موسر و غارم معسر صبر کند و به قدر حال از وی به قسط بستاند و اگر از هر دو طرف مفلسانند و خزینة بیت‌المال معمور، شاید که بفرماید ادا کردن. و اگر از خزینة مملکت بدهد روا باشد که ملک و دولت را به قیاس ظاهر، گنج و لشکر محافظت میکند و اما به حقیقت دعای مسکینان» (همان: ۸۰۷).

### نتیجه‌گیری

یکی از اندیشه‌های محوری و برجسته آثار سعدی اخلاقیات اوست که در جای‌جای آثارش بروز و ظهور دارد. بخش مهمی از آموزه‌های اخلاقی او را مسایل و مباحث حقوقی تشکیل می‌دهد که آنها را در سه محور بررسی کردیم.

یکی از این محورها، حقوق خانواده است که در آثار سعدی انعکاس قابل توجهی دارد. در باب حقوق زن و شوهر، او ضمن نکوهش از بداخلاقی هریک از زوجین، آنها را به مهربانی و دوستی سفارش می‌کند. او همچنین از سخت‌گیری نسبت به زنان و ازدواج اجباری انتقاد دارد و عفت و پاکدامنی، امانت‌داری و صبر در مشکلات زندگی را از مصادیق حقوق مرد میدانند. همچنین بحث تساوی حقوق زن و مرد، هم‌کفو بودن زن و مرد و رضایت زوجین از زناشویی را مطرح می‌کند.

حقوق والدین با اهمیت‌ترین موضوع در بخش حقوق خانواده است که سعدی بر آن تأکید بیشتری داشته. نیکی و خیرخواهی نسبت به والدین، فراموش نکردن والدین در هنگام پیری حتی پس از مرگ، خوش‌رفتاری و مهربانی نسبت به والدین از سفارشات مهم سعدی است.

در باره حقوق فرزندان نیز سعدی به موارد متعددی اشاره کرده است، از جمله: ۱- تعلیم و تربیت صحیح برای پرورش انسان‌های با فرهنگ، خردمند و پرهیزگار و استفاده از شیوه مناسب در تربیت. ۲- تأمین رفاه و آسایش فرزندان. ۳- مراقبت از همنشین شدن با دوستان بد ۴- مهربانی و محبت نسبت به فرزندان ۵- آموزش فنون جنگی و دفاعی و ورزشی به فرزندان و آماده نمودن آنان برای روزهای سختی ۶- حرفه‌آموزی و هنر به فرزندان. محور بعدی، حقوق متقابل انسانها در جامعه است که سعدی، اولاً نگاه جامعی به حقوق متقابل انسانها در جامعه داشته است و به حقوق بسیاری از افراد و گروه‌های جامعه در آثارش پرداخته است، ثانیاً مطالبی که سعدی ارائه کرده است تماماً مطابق با آموزه‌های اسلامی است.

محور بعدی، مسئله حقوق مردم در حکومت یا حقوق شهروندی است که در آثار سعدی بیشترین انعکاس را داشته است. در نگاه سعدی هدف حاکم باید خدمت و محبت به خلق باشد و اجرای عدالت و تأمین امنیت و رفاه مردم موضوعات محوری و هدف اصلی و اساسی حکومت‌هاست که باعث دوام حکومت می‌شود.

نکته مهم و قابل توجه در آموزه های اخلاقی و حقوقی سعدی این است که تمامی مطالب او با آموزه های دینی منطبق و موافق است و دلیل اصلی این امر آن است که سعدی خودش یک عالم و واعظ دین بود.

#### تشکر و قدردانی:

بر خود لازم میدانم مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم و مدیر مسئول عزیز و همکاران فرهیخته نشریه وزین سبک شناسی نظم و نثر (بهار ادب) اعلام نمایم.

#### تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت های پژوهشی تمامی خود نویسنده است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

#### REFERENCES

- asadi Gorgi Ainollah, Babajani Gorgi Zeinab (2016). The principles and characteristics of citizenship rights in Boostan Saadi. Journal of Medical Law, Volume: 11, Number 40, pp. 179-191.
- Poorchangiz, Mohammad Amin (2013) The use of legal concepts and terms in the poems of Saadi Shirazi, a specialized quarterly of the stylistics of Persian poetry and prose (Bahar Adab), 7th year, 3rd issue, serial number 25, pp. 103-120.
- Khorramshahi, Bahauddin. (2007). Generalities of Saadi. Tehran: doostan.
- Rizvani, Ali Asghar. (2007). Islamology and answers to doubts. Qom: Jamkaran Holy Mosque, p. 537
- Saket, Mohammad Hossein. (1990). Jurisprudence: an introduction to the knowledge of law, Mashhad: First Edition, first edition, p. 51
- Taheri, Habibullah. (1996) Civil rights. C1. Qom, Islamic Publication Office, p. 40
- Katouzian, Naser. (2010) Philosophy of Law, Volume 1, Tehran: Publishing Company, p. 456
- Mase, Henry. (1990). Research on Saadi (Paris, 1919). Translated by Mohammad Hassan Mahdavi Ardabili and GholamHossein yousefi, p. 256
- Mohammadi Ray Shahri, Mohammad. (2005). Mizan al-Hikma (14 volumes). Qom: Dar al-Hadith, p. 164
- Moskawieh, Abu Ali Ahmad bin Muhammad. (Bita) Tahzibolakhlaq and Tathiroaraq, Qom: Bidar, p. 51
- Movahhed, Zia. (1997). Saadi, Third edition, new design, p. 67
- Naseh, Mohammad Ali. Khatib Rahbar, Khalil. (1381). Description of Saadi boostan. Tehran: Safi Ali Shah.
- Nouri, Mirza Hossein (1987). Mustadrak al-Wasael and Mustanbt al-Masael. Qom: Al-AlolBayt Institute , p. 239
- Yousefi1, Gholamhosein. (1987).boostak Saadi Tehran: Kharazmi.
- Yousefi 2, Gholamhosein. (1987). Golestan Saadi. Tehran: Kharazmi.

### فهرست منابع فارسی:

- اسدی گرجی عین اله، باباجانی گرجی زینب (۱۳۹۶). اصول و شاخصه های حقوق شهروندی در بوستان سعدی. نشریه حقوق پزشکی، دوره: ۱۱، شماره ۴۰، صص ۱۷۹-۱۹۱.
- پورچنگیز، محمد امین (۱۳۹۳) کاربرد مفاهیم و اصطلاحات حقوقی در اشعار سعدی شیرازی، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال هفتم، شماره سوم. شماره پیاپی ۲۵. صص ۱۲۰-۱۰۳.
- خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۸۶). کلیات سعدی. تهران: دوستان.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۶). اسلام شناسی و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس جمکران، ص ۵۳۷.
- ساکت، محمدحسین. (۱۳۷۱). حقوق شناسی: دیباچه‌ای بر دانش حقوق، مشهد: نشر نخست، چاپ اول، ص ۵۱.
- طاهری، حبیب الله. (۱۳۷۵) حقوق مدنی. ج ۱. قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۴۰.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰) فلسفه حقوق، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ص ۴۵۶.
- ماسه، هانری. (۱۳۶۹). تحقیق درباره سعدی (پاریس، ۱۹۱۹). ترجمه محمدحسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، ص ۲۵۶.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۵). میزان الحکمه (۱۴ جلد). قم: دارالحدیث، ص ۱۶۴.
- مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد. (بی تا) تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: بیدار، ص ۵۱.
- موحد، ضیاء. (۱۳۷۸). سعدی. چاپ سوم، طرح نو، ص ۶۷
- ناصح، محمدعلی. خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۸۱). شرح بوستان سعدی. تهران: صفیعلی شاه.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: موسسه آل البيت (ع)، الاحیاء التراث، ص ۲۳۹.
- یوسفی ۱، غلامحسین. (۱۳۶۸). بوستان سعدی. تهران: خوارزمی.
- یوسفی ۲، غلامحسین. (۱۳۶۸). گلستان سعدی. تهران: خوارزمی.

#### معرفی نویسنده

علی اسکری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: [askari5017@pnu.ac.ir](mailto:askari5017@pnu.ac.ir))

(ORCID: [0009-0005-7094-5610](https://orcid.org/0009-0005-7094-5610))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the author

**Ali Askari:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: [askari5017@pnu.ac.ir](mailto:askari5017@pnu.ac.ir))

(ORCID: [0009-0005-7094-5610](https://orcid.org/0009-0005-7094-5610))